

# آیا شیوهی مسئولانه‌ای برای خلق آثار هنری درباره‌ی سوریه وجود دارد؟

## راب شارپ

درآمد: چرا تماشای آثار هنری‌ای که درد و رنج دیگران را به نمایش می‌گذارد، مشکل‌آفرین است؟ «اقتصاد تماشا» چیست؟ آفرینندگان، عرضه‌کنندگان و مخاطبان آثار هنری چگونه می‌توانند به اقتصاد تماشا تن ندهند؟<sup>۱</sup>

آی وی وی (هنرمند چینی) اوایل سال جاری میلادی با [ایفای نقش کودک مغروق](#) سوری در ساحل جزیره‌ی لسبوس در یونان سروصدای زیادی به پا کرد. حالا «پروژه‌ی موزه‌ی مهاجرت»، که امیدوار است بتواند اولین موزه‌ی اختصاصی در مورد مهاجرت به بریتانیا و از بریتانیا راه‌اندازی کند، درصدد برگزاری نمایشگاهی در ماه ژوئن است، نمایشگاهی که مصیبت‌های پناهجویان را در معرض دید قرار دهد، و حتی آثار مهاجران گیرافتاده در اردوگاه بدنام کاله، ملقب به «جنگل»، را هم به نمایش گذارد. هم‌زمان با افزایش تعداد برنامه‌های هنری‌ای که به سوریه اختصاص یافته، توجه به این مسئله اهمیت می‌یابد که هنر چگونه می‌تواند در خدمت اهداف انسان‌دوستانه قرار گیرد.

اگرچه تمایز آشکاری بین این دو نوع برنامه‌ی هنری وجود دارد (اثر هنری‌ای که در آن دغدغه‌های انسان‌دوستانه جایش را به خودمحموری هنرمند بدهد، چنان که در کار آی وی وی دیده می‌شود، نگرانی‌های اخلاقی به شدت پیچیده‌ای بر می‌انگیزد)، شایسته است که هر هنرمند یا آفرینشگری که با موضوعاتی مانند فقر، بی‌عدالتی اجتماعی، و مهاجرت سروکار دارد جانب احتیاط را کاملاً رعایت کند.

برنامه‌ی هنری‌ای که هم‌اکنون در سراسر بریتانیا در حال برگزاری است نمونه‌ای از نحوه‌ی درست برخورد با چنین مسئله‌ای است: «[انستیتوی هنر مدرن میدلزبورو](#)»، نگارخانه‌ای برای هنر معاصر در یکی از محروم‌ترین شهرهای انگلستان، میزبان نمایشگاه «[حلقه‌ی هنری کشتکاران کنگویی](#)» است، نمایشگاهی که نام خود را از یک گروه هنری همکار با کشتکاران جمهوری خلق کنگو گرفته است. در این نمایشگاه تندیس‌هایی به نمایش گذاشته شده که هنرمندان این گروه از چهره‌های مشهور دنیای هنر ساخته‌اند، تندیس‌هایی که ابتدا با گل قالب‌ریزی شده و سپس با شکلات بازآفرینی شده‌اند. این تندیس‌ها را در سطح جهانی می‌فروشند و سود حاصل از آن را به کنگو می‌فرستند تا صرف بهبود شرایط زندگی کشتکاران شود.

هم «موزه‌ی مهاجرت» و هم نمایشگاه «انستیتوی هنر مدرن میدلزبورو»، صرف نظر از این که مساعدت چشمگیری به گفتمان هنری داشته باشند یا نه، برنامه‌هایی به لحاظ اخلاقی موفق‌اند زیرا به دغدغه‌های انسان‌دوستانه اولویت

<sup>۱</sup> این مقاله برگردان اثر زیر است:

Rob Sharp (۲۰۱۶) 'Is There a Responsible Way to Make Art about Syria?', *Artsy*, April ۲۲, ۲۰۱۶

راب شارپ روزنامه‌نگار و مدرس روزنامه‌نگاری در دانشگاه ساسکس در بریتانیا است.

می‌دهند. هر دو برنامه متضمن مشارکت مستقیم افرادی است که این برنامه‌ها درباره‌ی آنها بوده، و دست‌کم یکی از دو برنامه سود حاصل را به خود این افراد باز می‌گرداند. همکاری بیشتر بین آفرینشگران و سوژه‌های آفرینش هنری‌شان از یک نظر می‌تواند مانع از تن دادن به «اقتصاد تماشا» شود، جایی که فقر و ناداری به عنوان کالایی برای مصرف معدودی افراد خوشبخت، بدون سود رساندن به خود آن افراد فقیر و نادار، عرضه می‌شود. اما این واقعیت که سازمان‌دهندگان این برنامه‌ها نیز چشم‌داشت‌هایی، به لحاظ مالی یا تبلیغاتی، دارند همچنان مشکل‌زا است.

ممکن است پای سیاست نیز در میان باشد. این هفته، ماکتی از طاق نصرتی در پالمیرا، که اصل‌اش را ستیزه‌جویان مسلمان در اکتبر سال گذشته در سوریه نابود کرده بودند، در [لندن به نمایش گذاشته شد](#). رئیس اداره‌ی باستان‌شناسی سوریه برای تماشا آمده بود، و این پروژه هم به گفته‌ی سازمان‌دهندگان آن با مشارکت سوری‌ها انجام شده بود. این در حالی است که، بنا به آمار دولتی، تعداد سوری‌هایی که از سال ۲۰۱۱ تا به حال موفق به دریافت پناهندگی از بریتانیا شده‌اند به حدود ۵۵۰۰ نفر محدود می‌شود. این برنامه جنبه‌ای نمادین داشت، اما چنین کاری بدون اقدام دولت برای بازترکردن درهای کشور به روی پناه‌جویان ژستی توخالی و اقدامی تبلیغاتی به نظر می‌رسد.

برنامه‌ی هنری اخیر [اولافور الیاسون](#) با عنوان «چراغ سبز» در اتریش – که مهاجران و دانش‌آموزان در ساخت چراغ‌های آن همکاری کرده بودند – بی‌گمان شهرتی تبلیغاتی برای الیاسون به ارمغان آورد، و به همان‌گونه غوغای رسانه‌ای منجر شد که حول هنرمندان مشهوری مانند آی وی وی شکل می‌گیرد. البته، در این برنامه دست‌کم تلاش شده بود تا با ایجاد حس همزیستی و همکاری بین دست‌اندرکاران، از معضلات اخلاقی ناگزیری که در مورد مسئله‌ی تماشاگری و بهره‌مندی اقتصادی پیش می‌آید، کاسته شود. رواج کنونی این‌گونه برنامه‌های هنری درنگ در این نکته را حائز اهمیت می‌سازد که چه تعداد از موزه‌ها و گالری‌هایی که از مصیبت‌های تاریخی و فعلی منتفع می‌شوند می‌توانند چنان رویکردی در پیش بگیرند، و مصرف‌کنندگان و مخاطبان این برنامه‌ها تا چه اندازه در سودجویی از این رنج و مصیبت‌ها نقش دارند.

ما به عنوان مخاطبان هنر، و نه قانون‌گذاران یا فیلسوفان – که در وهله‌ی نخست ممکن است دغدغه‌های خودمحوارانه در هنر را مورد توجه قرار دهند – باید به نحوه‌ی ارتباط اخلاق با زیبایی‌شناسی توجه کنیم. متیو کیران پژوهشگر، در مقاله‌ی «معرفت ممنوع: چالش بی‌اخلاقی» در کتاب «[هنر و اخلاق](#)»، می‌نویسد که «خصلت اخلاقی یک اثر از این جهت با ارزش هنری آن ارتباط دارد که می‌تواند ابعاد فهم‌پذیری اثر و بهره‌ی تجربه‌ی خلاقانه‌ای را که اثر عرضه می‌کند تضعیف یا تقویت کند.» به عبارت دیگر، جوهره‌ی اخلاقی یک اثر تنها با توجه به نحوه‌ی تأثیرگذاری آن بر تجربه‌ی هنری مخاطبان ارزیابی می‌شود. اخلاق، هنگامی که به شکل مؤثر در بستری خلاقانه به کار گرفته شود، می‌تواند ابزار مؤثری برای درگیر کردن مخاطبان باشد.

البته چنین نگاهی می‌تواند مشکل‌آفرین هم باشد. سوزان سانتاگ در کتاب «در باب رنج دیگران» (۲۰۰۳) می‌نویسد: «تصور می‌شود که جدایی و فاصله‌گیری از واقعیت که در عکاسی دیده می‌شود به نوعی غیراخلاقی است، و آدم حق ندارد درد و رنج دیگران را با فاصله و عاری از شدت واقعی آن تجربه کند.» به نظر سانتاگ، طفره‌روی از این مسئله ممکن نیست: تماشای تصاویر حرمان در مکان‌هایی مانند کاله، سوریه، و کنگو، و در عین حال نپرداختن بهای اخلاقی این کار. اگر از موهبت این تماشا برخوردار شویم، احساس گناه نیز خواهیم کرد. این تصویرها شاید به آگاهی‌بخشی در مورد بعضی موضوعات کمک کنند، اما چنین تصاویری مشکل‌آفرین نیز هستند، به ویژه به علت چشم‌چرانی و احساس عجزی که اغلب به همراه دارند.

همان‌گونه که سانتاگ می‌نویسد: «اگر آدم احساس کند که هیچ کاری از دست "ما" بر نمی‌آید، آن وقت بی‌حوصله و بدبین و بی‌اعتنا می‌شود.» اگر شفقت خود را به کار نگیریم، این احساس می‌میرد. ما مصرف‌کنندگان هنر، به اندازه‌ی خود هنرمندان، موظف‌ایم که اقدامات بیشتری بکنیم. در حالی که موزه‌ها در بریتانیا باید در راستای منافع عموم، یا با پرداختن به مسائل بیشتر نگران‌کننده، به مالیات‌دهندگان خدمت کنند، گالری‌های تجاری علناً و عملاً در فضایی نیستند که با همین حس مسئولیت‌پذیری عمل کنند. برنامه‌های هنری‌ای که سود را خود بازپس فرستاده یا به دنبال مشارکت سوژه‌های خود در روند برگزاری اند شاید اجرایشان دشوار باشد و محدودیت‌هایی برای خلاقیت هنری ایجاد کنند، اما از انگیزه‌ای اخلاقی برخوردارند که شایان توجه مدام و دقیق‌تر است، انگیزه‌ای که سوژه‌ی اثر، شخص هنرمند، و همه‌ی ما را درگیر می‌کند.

---

برگردان: نیما پناهنده